
زبورِ پارسی

نگاهی به زندگی و غزل‌های عطار

محمد رضا شفیعی کدکنی



به استاد: عبدالحسين زرین کوب

از درون و بیرون: ۱۵

عطار و منظومه فرهنگی او (۵)، مبانی جمال‌شناسی شعر او (۱۷)، صورت و معنی در شعر او (ص ۱۸)، عطار یکی از سه موج بلند دریای عرفان (۲۰)، آثار مُسلّم او (۲۲)، لهجه شاعری او (۲۵)، آواشناسی شعر او (۲۶)، شعر عطار هنری است مُضاعَف، نقد ملاحظات بعضی معاصران (۲۸)، از بیرون منظومه عرفان نمی‌توان اندرون را نگرست (۳۰).

هویت تاریخی: ۳۳

ابهامات زندگی عطار، نام و نشان او (۳۳)، نیشابور و تقسیمات تاریخی آن (۳۵)، «رُخ» در ولایات نیشابور، کدکن و جُلگه رُخ (۳۵)، پیر زَرَوَند پدر شیخ عطار (۳۶).

آثار عطار: ۳۷

توضیح عطار درباره آثار خویش (۳۷)، خسرونامه همانِ اِلاهی‌نامه است.

(۳۸) منطق الطیر، اسرارنامه، مصیبت‌نامه، دیوان غزلیات و قصاید (۳۹).
مختارنامه، تذکرة الاولیاء (۴۲)، آثار منحول (۴۲).

سرچشمه‌های شعر او: ۴۴

شعر عطار (۴۴)، سرچشمه‌های شعر او (۴۴)، نخستین تجربه‌های شعر عرفانی (۴۵)، نقش کرامیان در شکل‌گیری شعر عرفانی (۴۵)، نمونه‌های اولیه غزل عرفانی در قرن پنجم (۴۶)، غزل‌های سنایی (۴۷).

در فاصله سنائی تا عطار: ۴۸

شاعری به نام «شکر» که استاد عطار بوده است (۴۹). یکی از همدرسان عطار از اهل اردبیل (۵۱)، تفسیر شیخ صفی‌الدین اردبیلی از شعرهای عطار (۵۲)، مجدالدین بغدادی و شعر او (۵۳)، شمس‌الدین محمدبن طغان کرمانی و غزل‌های او (۵۳)، صفی‌الدین یزدی و غزل‌های او (۵۶).

غزل عطار: ۵۷

پایگاه غزل عطار (۵۷)، درونمایه‌های غزل عطار (۵۷)، ذره و خورشید (۵۸)، شعری عرفانی برهنه از اصطلاحات (۵۹)، تناسب صورت و معنی در شعر عطار (۶۰)، نقش تاریخی غزل‌های او در تکامل غزل عرفانی (۶۱)، وحدت تجربه شعری در غزل‌های او (۶۱).

عطار در تذکرة دولتشاه: ۶۲

نگاهی به سخنان دولتشاه درباره روزگار عطار (۶۲)، مزار عطار از قرن هفتم تا قرن نهم (۶۳). تعمیر آرامگاه عطار در عصر امیر علشیر (۶۵)، تعیین سال و روز تولد و وفات عطار و سند دولتشاه (۶۵)، زلزله‌های نیشابور (۶۹).

نسب‌نامه معنوی عطار: ۷۰

نقد آراء قدما در باب مشایخ او (۷۰)، قول فصیح خوافی، سلسله مشایخ

عطار تا ابوسعید ابوالخیر: جمال‌الدین محمد نغندری و هویت تاریخی او (۷۳)، شرف‌الدین «رداد» و هویت تاریخی او (۷۳)، صلاح‌الدین احمد الاستاد و هویت تاریخی او (۷۵). بررسی فاصله زمانی عطار در زنجیره مشایخ او تا ابوسعید ابوالخیر (۷۶). دوره شکوفایی خلاقیت شعری او بعد از ششصد هجری است (۷۸). رجال تاریخی قرن ششم در آثار عطار (۷۹)، شاعران بزرگ مورد اشاره او (۸۰)، چرا عوفی از منظومه‌های عطار یاد نمی‌کند؟ (۸۱)

نگاهی دیگر به نام و نشان عطار: ۸۴

بحثی دیگر درباره نام و نشان او (۸۴)، نام پدر عطار در مراجع قدیم، عطار «ثربتی» است یا «نیشابوری»؟ (۸۵) مفهوم نیشابور تاریخی (۸۵)، «زاوه» یکی از رُستاق‌های نیشابور است (۸۵)، درباره الهی‌نامه و خسرونامه (۸۶)، درباره مقدمه مختارنامه و سبک آن (۸۸)، تردید قدما در انتساب تذکرة الاولیاء به عطار (۹۰).

عطارهای شعر فارسی: ۹۱

۲۴ تن از «عطار»های معاصر «عطار» (۹۲)، نخستین عطار شعر فارسی از معاصران رودکی (۹۳)، عطاری شاعر از معاصران غزالی در آغاز قرن ششم (۹۴)، عطار شاعری که در «تاریخ‌نامه هرات» شعرهای او نقل شده است (۹۴)، عطار شاعری از اهل شَرون و آران (۹۵)، «فرید عطار»ی معاصر صاحب منطق‌الطیر از شعرای ماوراءالنهر و مداح محمد بن تکش خوارزمشاه (۹۶)، آیا خسرونامه سروده این مداح خوارزمشاه است؟ (۱۰۰) گوینده خسرونامه مقیم ماوراءالنهر و ترمذ بوده است؟ (۱۰۱) زمینه هزمسی داستان خسرونامه (۱۰۱)، عطاری از اهل تون در قرن نهم (۱۰۲)، عطارهای دیگر قرن نهم (۱۰۲). آمیختگی «عطار»ها در طول قرون و مشکل مطالعات «عطارشناسی» (۱۰۳).

۱۰۵	گزیده غزل‌ها
۲۱۵	گزیده رباعی‌ها
۲۴۹	تعلیقات
۲۵۱	توضیح برخی واژه‌ها (غزل‌ها)
۳۳۹	توضیح برخی واژه‌ها (رباعی‌ها)
۳۴۹	فهرست آیات قرآنی
۳۵۰	فهرست احادیث و اقوال و مشایخ و امثال و حکم
۳۵۲	فهرست اشعار عربی
۳۵۵	راهنمای تعلیقات

یادآوری

آنچه من گویم زبورِ پارسی ست
فهم آن نه کارِ مردِ پارساست

عطار

سال‌هاست که شکسته بسته سرگرم کارها، یا درست بگویم: کارک‌هایی دربارهٔ عطار بوده‌ام. ولی آن کارک‌ها هیچ ارتباطی با این دفتر ندارد. علتِ اصلی به وجود آمدن این دفتر، چیز دیگری بود. راستش را بخواهید، بعد از سال‌های سال می‌خواستم چند مجموعه از شعرهای خودم را چاپ کنم و در اندیشهٔ نام‌گذاری آن مجموعه‌ها بودم، دربارهٔ یکی از آن مجموعه‌ها به تناسبِ حال و هوایش، فکر کرده بودم — با توجه به یکی از ابیاتِ عطار — نامِ «زبورِ پارسی» را انتخاب کنم، دیدم که این کمان به بازوی من و امثال من نیست، حدِّ من و معاصرانِ من و بزرگ‌تر از معاصران من هم نیست. این نام برازندهٔ شعر او و امثال اوست که در تاریکی قرون وسطی، تابناک‌ترین اندیشه‌های بشری را در تاریخِ الاهیّاتِ عرفانی جهان، عرضه داشته‌اند و تجارب روحانی ایشان، زیباترین تأملاتی است که انسان در تاریخ این‌گونه اندیشه‌ها و تجربه‌ها آزموده است. از آن کار

منصرف شدم و اندیشیدم که چه مانعی دارد که برگزیده‌ای از غزلیات و رباعیات او را با مقدمه مختصری در باب او و شعرش با همین نام، برای جوانان، منتشر کنم و چون این کار را در طول مطالعات خویش، به سال‌ها، عملاً انجام داده بودم ظرف چند روز، آماده چاپ شد ولی انتشار نیافت.

مهم‌ترین بهانه برای جلوگیری از نشر آن هم‌زمان شدن آن با کنگره بزرگداشت عطار بود. بعد از آن هم عذرهای دیگر و آخرین عذر، مفصل شدن مقدمه کتاب که بسیار تخصصی و فنی شده بود و بحث‌هایی که جای آن در مقالات تحقیقی مربوط به تاریخ‌های ادب است نه آغاز چنین گزیده‌ای که مخاطب آن، از همان آغاز، جوانان بودند.

نگارنده این سطور دو جا در باب عطار به تفصیل بحث کرده است. یکی در مقدمه مختارنامه (چاپ اول ۱۳۵۸ و چاپ دوم ۱۳۷۵) و یکی در کتاب تکامل شعر عرفانی فارسی که آماده نشر است. آن مقدمه تخصصی و گسترده‌ای که برای این کتاب فراهم آمده بود مثل مقدمه غزل‌های سنائی (در اقلیم روشنایی) به کتاب مزبور انتقال یافت، که هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد.

در تعلیقات کتاب، گاه با دلایل تاریخی و گاه با دلایل عرفانی و یا سبک‌شناسی، نظر داده‌ام که این غزل شاید از عطار نباشد. ممکن است خوانندگان به ما اعتراض کنند که وقتی در انتساب غزلی به عطار تردید هست چرا آن را باید درین کتاب آورد؟ در پاسخ چنین پرسشی باید گفت: ما به هیچ روی قصد تصحیح انتقادی دیوان عطار را نداشتیم. آنچه در چاپ استاد دکتر تقی‌فضل‌ی آمده به عنوان دیوان او تلقی کردیم و این انتخاب براساس آن چاپ فراهم آمده است ولی از اظهارنظرهای انتقادی از دیدگاه سبک‌شناسی و یا تاریخ عرفان امتناع نکردیم. یکی برای توجه

دادن جوانان به این گونه مباحث و چشم اندازها بود و دیگر برای یادآوری این نکته که با همه اهمیت که این گونه چاپ ها دارد، جای تصحیح انتقادی براساس روش های علمی و با مبانی تاریخ اندیشه های عرفانی و اصول سبک شناسی هنوز باقی است.

هرچه این گونه مطالعات و کوشش ها، بیشتر گسترش یابد چهره حقیقی و زلالِ عطار بهتر نمایان می شود و غبارِ اندیشه های الحاقی و مداخلات ذوق های نازل دوره های بعد، از آن، زدوده می شود. تصور کنید اگر بخواهیم چهره ای از عطار با در نظر گرفتن تمام آثار منسوب به او، از منطق الطیر تا هیلاج نامه و خیاط نامه رسم کنیم، چه تصویر مضحک و متناقضی خواهد بود. بی گمان پس از تصحیح انتقادی و روش مندِ دیوان و دیگر آثار مسلم عطار، داوری ما در باب او بسی سنجیده تر خواهد بود و چهره ای که از عطار، در آن آینه نمودار خواهد شد بسی زلال تر و دلپذیرتر ازین عطاری است که هم اکنون ما در پیش روی داریم.

کسانی که مباحث فنی در باب زندگی و شعر عطار را می جویند می توانند به مقدمه مختار نامه مراجعه کنند که در دسترس است و نیز کتاب تکامل شعر عرفانی فارسی که آماده چاپ است. در آغاز این کتاب فشرده ای از آن مباحث تفصیلی در باب عطار خواهد آمد تا خوانندگان جوان را به کار آید. توضیحات آخر کتاب نیز برای مخاطب جوان و دانشجوین فراهم آمده است و الحمد لله اولاً و آخراً.

شفیعی کدکنی

مرداد ۱۳۷۷

از درون و از بیرون

عطار و منظومه فرهنگی پیرامون او، از زندگی تاریخی تا افسانه‌ها و از آثار مسلم او تا مجموعه وسیعی از مجعولات و منحولات دوره‌های بعد، که منسوب به او است، بی‌شبهت به یک مذهب یا یک آیین نیست.^۱ در کنار

۱. فهرستی از افسانه‌های عطار اگر فراهم آید خود می‌تواند یکی از خواندنی‌ترین مجموعه‌های حکایات سوررئالیستی عالم باشد که در هنر مدرن، چه نقاشی و چه تئاتر و سینما، سخت بدان شیفتگی نشان می‌دهند از داستان توبه او بر دست درویشی که به مرگ ارادی بر در دکان او مُرد تا وقتی که سر شاعر را بُریدند و او سرش را زیر بغل گرفت و فاصله دوری از راه، با سر بُریده در زیر بغل، منظومه «بیسرنامه» خود را سرود که ظاهراً پیرنگ داستان از روی قصه رئیس فرقه حیدیه (شاید بعدها حیدریه و قطب‌الدین حیدر و حیدری‌نامه هم از همین در آمده) ساخته شده باشد و حیدیه یکی از فرق کرامیه خراسان بوده‌اند که حاکم جُشمی این داستان را در مورد رئیس ایشان نقل کرده است که سرش را بریدند و او سر خود را برداشت و... در این باره مراجعه شود به فان اس «متونی درباره کرامیه» در مجله معارف دوره نهم، شماره ۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۱) صفحه ۴۷. در پایان نسخه‌ای از بیسرنامه که به مستشرق فرانسوی شارل شِفِر تعلق داشته عبارتی آمده که ترجمه‌اش این است: «پایان آمد این کتاب موسوم به بی‌سرنامه از بزرگترین تألیفات عطار که آن را، با خون

←